

## فمینیسم و خانواده

زینب السادات احتشامی\*

### چکیده

بی تردید نهاد خانواده در پرورش استعدادهای نسل آینده سهم مهمی دارد، به امنیت اخلاقی - اجتماعی کمک می کند و در شکل گیری اقتصادی سالم و پویا مؤثر است و کانون آرامش و محبت و پرورش عواطف انسانی است.

با صنعتی شدن جوامع غربی و آغاز پیدایش حرکت فمینیسم در اوایل قرن نوزدهم، جوامع مزبور دچار بحران و دگرگونی شدند. در این چرخه تغییر، نهادی که بیش از همه دچار بحران هویت گردید، نهاد خانواده بود به طوری که نقش زنان در خانواده و حرکت سستی آنان متحول شد. فمینیست از هر نوعی (لیبرال، مارکسیستی، رادیکال، سوسیال و فرامدرن) با انتقاد از خانواده هسته‌ای و اقتدار پدرسالارانه، به خانواده سستی حمله کرده و بدون پیشهاد جایگزینی مناسب، مناسبات خانوادگی زن را دگرگون کرد. از این رو، در این جوامع، خانواده نه تنها از استحکام لازم برخوردار نیست، بلکه رقبای جدی در کنار خود دارد. آمار رو به افزایش طلاق، همسر آزاری، خودکشی زنان و تک‌زیستی‌ها شاهد بر این مدعا است.

مقاله حاضر با هدف تبیین نگرش‌های فمینیستی و آسیب‌شناسی آن، به تعارض میان اسلام و گرایش‌های فمینیستی می‌پردازد. نتایج بررسی دیدگاه اسلام در این زمینه نشان می‌دهد که خانواده نهادی مقدس است و زن محور پویایی و کارآمدی آن می‌باشد. خداوند بر اساس حکمت خویش زن و مرد را به تفاوت زیستی خلق کرده و انتظارات متفاوتی از آنان دارد، گرچه ارزشمندی واقعی هر انسانی به بهره‌مندی وی از قدرت و کمال و تقرب به خداوند است و در این زمینه تفاوتی بین زن و مرد نیست و بنا به ضرورت هر دو برای دستیابی به تقرب یک مسیر را نمی‌پیمایند.

**کلیدواژه:** فمینیسم، خانواده، دیدگاه اسلام، جریان‌شناسی.



موضوع زن و مسایل مرتبط با آن از محورهای بسیار مهم تبلیغاتی دشمنان اسلام در هجوم به احکام شریعت و ارزش‌های دینی و بدین کردن افراد به اسلام می‌باشد. کشاندن مسلمانان به موضع انفعالی در دفاع از ارزش‌ها و احکام اسلام از جمله «موضوع زن و خانواده» و تلاش برای منحرف کردن تفسیر انسانی شخصیت زن و حقوق و تکالیف وی در شریعت مقدس، هدفی است که دشمنان همواره در پی آنند. اندیشه‌ای که در درون آن به حقوق انسانی زن و خانواده بیشترین ستم می‌شود، فرسنگ‌ها از حرمت واقعی انسان فاصله دارد. این اندیشه بنا به ضرورت، نیازمند نقادی و افشاگری علمی است.

بنیان‌های فکری و فرهنگی که در غرب در قالب‌های شخصیت‌بخشی و حقوق زن مطرح است، باید مورد هجوم اندیشه‌های متعالی و انسان‌ساز اسلام قرار گیرد و ناکارآمدی آن در سعادت‌مند ساختن انسان، برملا گردد و این رسالتی خطیر بر دوش متفکران محافل علمی و فرهنگی است. بنابراین، شناخت مختصری از فمینیسم و دستاوردهای آن و آسیب‌هایی که این جنبش بر خانواده وارد کرده است، ضروری می‌نماید.

در پژوهش حاضر نخست با مراجعه به کتب و اسناد موجود درباره فمینیسم، اطلاعات و مطالبی درباره این جنبش جمع‌آوری و مورد بررسی قرار گرفته است. پس از تعریف مختصری از این جنبش، پیشینه و سیر تاریخی فمینیسم، تحول خانواده و نقش زنان در قرن بیستم بیان شده است. سپس اهداف و آرمان‌های فمینیسم و امواج دو گانه نهضت فمینیستی در غرب و نهضت فمینیسم در ایران، بررسی شده است. در ادامه، انواع فمینیسم، آورده شده و رویکرد فمینیستی نسبت به خانواده و آسیب‌های وارد شده از طرف این جنبش به خانواده نیز بررسی گردیده است. در پایان، نظر اسلام و فمینیسم نسبت به خانواده مورد مقایسه قرار گرفته است.



## تعریف فمینیسم

واژه فمینیسم، از ریشه Feminine (زنانه، مادینه، زن آسا، مؤنث) گرفته شده که اصل آن فرانسوی و از ریشه لاتینی Femina اخذ گردیده است. این واژه برای اولین بار در سال ۱۸۷۳ وارد زبان فرانسه شد و در زبان فارسی به معانی «طرفداری از زنان، هواداری از حقوق و آزادی زنان، آزادی‌خواهی زن، زن‌وری، زن‌گرایی و مؤنث‌گرایی» آمده است.<sup>۱</sup>

فمینیسم در زبان انگلیسی دو معنای مختلف دارد؛ نخست، به معنای حضور صفات زنانه در مردان است و دوم، به نظریه‌ای گفته می‌شود که معتقد به برابری زنان با مردان از جنبه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است.<sup>۲</sup> این واژه را نخستین بار شال فوریه، سوسیالیست قرن نوزدهم، برای دفاع از جنبش حقوق زنان به کار برد.<sup>۳</sup>

آغاز پیدایش فمینیسم به اوایل قرن نوزدهم و با عنوان «جنبش استیفای حقوق زنان» بر می‌گردد؛ زیرا این جنبش پاسخ و واکنشی بود در برابر تبعیض‌های غیرانسانی نسبت به زنان در غرب. انگیزه مظلومیت زن در تاریخ معاصر غرب، از جایگاه صنفی و افکار زن‌گرایی عدول کرده و در چارچوب نهضت سیاسی و سازمان‌حزبی نمودار شده است. از این پس، فمینیسم جدید نقاب از چهره برگرفت و با رویه‌ای افراطی، به جای دفاع از حقوق زنان و طرح تشابه‌سازی، به مبارزه با جنس مذکر و حتی مرد‌کشی انجامید. این میراث دهه شصت میلادی، نه با دیدی اصلاح‌گرانه بلکه با روشی مستبدانه و با تحمیل فرضیه فرسوده قرون وسطایی (توطئه مردان علیه زنان) همه بدبختی‌ها و سرخوردگی‌های زنان را در برتری جویی جنس مذکر ترویج نمود.<sup>۴</sup>

امروزه نیز این جنبش همه فعالیت‌هایی را که با هدف پایان دادن به تابعیت و وابستگی زنان و رهایی آنان از بند اسارت و احیای حقوق آنها انجام می‌شود، در برمی‌گیرد.<sup>۵</sup> در واقع فمینیسم، به مجموعه‌ای از حرکت‌ها که با هدف احقاق حقوق زنان و رفع تبعیض و تفاوت از آنان - اغلب به وسیله خود زنان - انجام می‌گیرد، گفته می‌شود.<sup>۶</sup>



## پیشینه و سیر تاریخی

مبارزه‌های اولیه فمینیستی نخست بر اصلاح وضعیت اجتماعی و اقتصادی زنان متمرکز بود و بیشتر به کسب حق رأی برای زنان، دسترسی به تحصیل و اشتغال آنها، دستیابی آنها به حق حضانت فرزند و... توجه داشت.

زمینه ایجاد این جنبش در غرب وجود داشت؛ زیرا در بُعد نظری «زن» در غرب انسانی درجه دوم بود. ارسطو زن را مرد ناکامی می‌دانست که حاصل نادانی طبیعت در خلق مردان است و به هیچ روی سزاوار شرکت در امور اجتماعی نیست. نظریه «موجود دوم بودن زن» از طرف عالمان دینی، نهاد دین و کلیسا نیز تقویت می‌شد.<sup>۷</sup>

در کتاب مقدس، حواء عليها السلام عامل اصلی گناه اولیه آدم عليه السلام و مسئول خروج وی از بهشت معرفی شده است. بحث‌های نظری همچون «آیا زن انسان است؟»، «آیا زن مخلوق کامل خداست یا نسخه ناقص مرد؟»، «آیا زن و مرد در پیشگاه خداوند مساوی‌اند؟» نشانگر جایگاه زن در مغرب زمین می‌باشد. در بعد عملی نیز بسیاری از حقوق فردی و اجتماعی مثل حق حاکمیت، ارث بردن، حق رأی و... از زنان سلب شده بود. حتی تا اواخر دهه دوم قرن بیستم، در آمریکا و انگلستان، زنان از حق رأی محروم بودند.

در چنین فضایی زمره‌های مخالفت آغاز گردید؛ این مخالفت‌ها بیشتر به طور غیرمستقیم و در آثار ادبی جلوه گر شد. در ابتدا توجه این آثار به اثبات توانایی‌ها و شایستگی‌های زنان بود، ولی به تدریج گرایش به اثبات برابری زنان و مردان، قوت و رواج یافت.<sup>۸</sup>

## تحول خانواده و نقش زنان در قرن بیستم

ماری ولستن کرافت در سال ۱۷۹۲، کتاب *استیفای حقوق زنان* را منتشر کرد. به نظر وی از شرایط جامعه متمدن، آموزش زنان و آزادی آنها در جامعه است. خداوند به



همه انسان‌ها عقل عطا کرده است تا بتوانند بر احساسات خود چیره شده و معرفت و فضیلت کسب نمایند. محروم کردن زنان از اینکه بتوانند وجود خود را کمال بخشیده و توانایی خود را برای نیل به سعادت افزایش دهند، به معنی تلقی آنها همچون جانورانی اهلی و آرام، پایمال کردن حقوق آنها و در حالت انقیاد گذاشتن آنهاست که هم به زنان و هم به مردان لطمه خواهد زد.<sup>۹</sup>

جان استوارت میل، در کتاب *مقهوریت زنان* بیان می‌کند که زنان سزاوار حقوقی متساوی با مردانند و باید بتوانند عهده‌دار مناصب عمومی شوند، کار کنند، مالک شوند و رأی دهند. وی همچنین معتقد است که چون زن و مرد مساوی‌اند، زنان متأهل نباید به اطاعت از شوهران خود ملزم باشند و حضانت فرزندان باید به عهده زن‌ها باشد.<sup>۱۰</sup> از نظر فمینیست‌ها، نهادی شدن نقش کدبانو و مادر، بزرگ‌ترین تغییری است که از قرن هفدهم به این سو در خانواده روی داده است. پیش از صنعتی شدن جوامع، دسترنج اعضای خانواده، دارایی مشترک همه آنها بود و این دارایی را ثروتی که باید میان همه اعضا تقسیم شود، نمی‌دانستند.<sup>۱۱</sup> هر عضو خانواده برای تولید آنچه خانواده نیاز داشت کار می‌کرد و میان تولید و مصرف تمایزی نبود.

با صنعتی شدن، خانه از محل کار یعنی، مصرف از تولید فاصله گرفت. به مرور زن در قلمرویی خانگی یعنی، اداره خانه و فرزندان و مرد در قلمرویی عمومی یعنی، کسب درآمد و شرکت در سیاست تداومی شد. با شروع سده نوزدهم، بیشتر زنان طبقه متوسط نقش کدبانو را پذیرفتند، به همین دلیل شمار زنان طبقه کارگری که به طور رسمی شاغل شناخته می‌شدند، به سرعت کم شد.<sup>۱۲</sup>

صنعت مبتنی بر نظام سرمایه‌داری، با دور کردن مشاغل از محدوده خانه و افزایش اهمیت تسلط مردان، وضعیت فرودست زنان را بیشتر نمایان ساخت. ولی سلطه مردان از قبل تحکیم شده بود و به وضوح بر سیر و جهت رشد سرمایه‌داری تأثیر گذاشت. همانگونه که کلارک استدلال کرده است، با دور شدن از خانه، در امر تولید صنعتی



مردان وابستگی کمتری به زنان یافتند، در حالی که زنان از نظر اقتصادی، بیشتر به مردان وابسته شدند.<sup>۱۳</sup>

در موقعیتی شبیه به موقعیت زنان آفریقایی، زنان متأهل انگلیسی نیز که زندگی خود و فرزندانشان را تأمین کرده بودند، تبدیل به خدمتکارهای خانگی شوهرانشان شدند و همان طور که نظارت مردان بر فن آوری تولید و بازاریابی افزایش می‌یافت، زنان را از صنعت، تحصیل و تشکل‌های سیاسی حذف می‌کردند.<sup>۱۴</sup>

به نظر بسیاری از فمینیست‌ها، استثمار و فرودستی زنان ناشی از آن است که بچه می‌زایند. همین واقعیت زیست‌شناختی است که به مردان امکان داد زنان را به انقیاد کشند و زنان به این ترتیب در سایه حمایت مردان قرار گرفتند.<sup>۱۵</sup> فایرستون معتقد است که زنان فقط زمانی می‌توانند خود را از کنترل مردان برهاند که از قید تولیدمثل آزاد شده باشند. مادر بودن، مشغله‌ای تمام وقت برای زنان است و تصور می‌شود که زنان به طور طبیعی از عهده آن برمی‌آیند و از انجام لذت وافر می‌برند.<sup>۱۶</sup>

در اوایل سده نوزدهم، گناه مرگ و میر نوزادان و ضعف بنیه کودکان را به گردن زنان انداختند. شواهد فراوان حکایت از آن داشت که مرگ و میر نوزادان به علت وضعیت بد مسکن، فقر و شرایط وحشتناک محیط است، با این همه زنان بودند که به خاطر عدم رعایت بهداشت در خانه و کوتاهی در تهیه غذای مناسب سرزنش می‌شدند.<sup>۱۷</sup>

در تمامی جوامع نوعی تقسیم کار نسبت به جنس (زن یا مرد بودن) وجود دارد، ولی ماهیت کارهایی که به دست زن یا مرد انجام می‌شود، در جوامع مختلف متفاوت است.<sup>۱۸</sup> در بیشتر جوامع، نگهداری از نوزادان و کودکان بر عهده زنان است، ولی در برخی جوامع، مردان وظیفه مراقبت از پسران جوان را بر عهده می‌گیرند و در بعضی دیگر، نگهداری از بچه‌های کوچک‌تر یا بزرگ‌تر با پیرزنان است<sup>۱۹</sup> و...



هم مردان و هم زنان اعتقاد دارند که کار برای زن کمتر از مرد اهمیت دارد و مردان به دلیل وظیفه‌ای که در تأمین معاش خانواده دارند، باید دستمزد بیشتری دریافت کنند و امنیت شغلی بیشتری داشته باشند.<sup>۲۰</sup>

### آرمان‌های فمینیسم

فمینیست‌ها، خواستار نابودی گرایش‌ها و پندارهای سنتی و بنا نهادن جامعه‌ای براساس تقسیم کارند. بعضی از فمینیست‌ها با اولویت قرار دادن مبنای زیست‌شناسی تفاوت‌های زن و مرد در بدو خلقت، معتقدند برای نابودی این تبعیض باید زنان از باروری و تولیدمثل خودداری کنند.<sup>۲۱</sup>

واقعیت این است که فمینیست‌های افراطی هدفی جز ایجاد اختلاف و ناسازگاری بین دو جنس و تشدید بحران و عدم تفاهم بین آنها ندارند. اینان با نادیده گرفتن نقش‌ها و ماهیت‌های متفاوت زن و مرد، سعی در ایجاد همانندی مصنوعی و انقیاد مردان توسط زنان دارند.<sup>۲۲</sup>

علت اصلی ظهور جنبش فمینیستی در جوامع غربی، در واقع ظلم و ستم‌هایی است که در این جوامع به زنان شده است. فمینیست‌ها ریشه و بنیان ستم‌ها و استبداد حاکم بر زنان را وابستگی اقتصادی آنان به مردان و وجود نظام خانواده مردسالار می‌دانند. از این رو، باید دست به اقدامی زد تا زنان از نظر اقتصادی به مردان وابسته نباشند.<sup>۲۳</sup>

فرآیند صنعتی شدن جوامع در کنار دولت‌های مردم‌سالار، روابط سنتی حاکم بر این جوامع به ویژه جوامع گذشته صنعتی را دچار بحران و دگرگونی نموده است. در این چرخه تغییر، نهادی که بیش از همه دچار بحران هویت گردید، نهاد خانواده بود؛ نقش زنان در خانواده و منزل سنتی آنان متحول شد.<sup>۲۴</sup>

از یک سو به دنبال ظهور حکومت‌ها و دولت‌های مردم‌سالار، نفوذ زنان طبقه بالا به میزان قابل توجهی کاهش یافت و از سوی دیگر در طبقات پایین نیز زنان به دلیل



صنعتی شدن از کارهای سنتی دست برداشتند و به میزان قابل توجهی قدرت اقتصادی خود را به دلیل ناتوانی از رقابت با واحدهای تولیدی جدید از دست دادند.<sup>۲۵</sup>

### امواج نهضت فمینیسم

موج اول فمینیسم، از سال ۱۸۵۰ شروع و تا ۱۹۲۹ ادامه یافت. زنانی که در ایجاد موج اول فمینیسم شرکت داشتند، خواستار حق مالکیت، حق اشتغال و حق گرفتن رأی و دادن آن در نظام سیاسی کشور بودند، همچنین در مورد حق حضانت، اصلاحاتی را طلب می کردند.<sup>۲۶</sup> موج دوم از دهه ۱۹۶۰ شروع شد. این موج، دوره بازسازی و کسب موفقیت‌های نسبی فمینیست‌هاست. دستاوردهای مهم زنان اروپایی در موج دوم جریان فمینیستی عبارتند از:

۱. مبارزه برای جدایی روابط جنسی از تولیدمثل؛<sup>۲۷</sup>
  ۲. آزادی کامل زنان در امور جنسی از جمله حق تسلط بر بدن و روابط جنسی؛<sup>۲۸</sup>
  ۳. کاهش ازدواج و زاد و ولد در مقابل افزایش آمار طلاق؛<sup>۲۹</sup>
  ۴. ایجاد سازمان‌ها و نشریات زنانه که نهضت فمینیسم به تمام نقاط دنیا منتقل کند؛<sup>۳۰</sup>
  ۵. کسب قدرت‌های اقتصادی و سیاسی.<sup>۳۱</sup>
- آنچه نقطه عطف در زمان فترت فمینیسم به شمار می‌رود، انتشار کتاب جنس دوم نوشته سیمون دوبوآر است. این کتاب مهم‌ترین اثر فمینیستی در قرن بیستم است که منشأ تحول در دهه ۱۹۶۰ گردید.

از آنجا که شعارها و اقدامات فمینیستی در دهه شصت بسیار افراطی و مخالف با فطرت و طبیعت زنانه بود، این جریان‌ها چندان استمرار نیافت و از دهه هشتاد به بعد افول جریان‌های تند فمینیستی (موج دوم) آغاز شد و پس از آن گرایش‌های معتدل‌تری در نظریات فمینیستی به وجود آمد. این گرایش‌ها که متأثر از دیدگاه‌های پست‌مدرنیستی است، بر اصل تفاوت انسان‌ها تأکید می‌کند.<sup>۳۲</sup> به اعتقاد این دیدگاه،





هویت زنانه چه از نظر زیستی و چه از نظر اجتماعی، قابلیت‌های مثبتی دارد و نقش مادری، ظرفیت پرورش‌دهندگی و حس مسئولیت زنان را افزایش می‌دهد. این گرایش کلیت خانواده را انکار می‌کرد و خواهان نقش برابر زن و مرد در وظایف و مسئولیت‌های خانگی و اجتماعی بود.

«کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان» که به عنوان مهم‌ترین سند سازمان ملل متحد درباره زنان در ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ م (۱۳۸۵. ش) به تصویب مجمع عمومی رسید، بی‌تأثیر از دیدگاه‌های فمینیستی جدید نبود.<sup>۳۳</sup> این معاهده در سال ۱۳۷۶. ش در شورای عالی انقلاب فرهنگی ایران مورد بحث قرار گرفت و پس از ارزیابی کنوانسیون، به دلیل مغایرت مفاد آن با قوانین داخلی و احکام شرعی، مورد مخالفت مقام معظم رهبری و مراجع عالی‌قدر قرار گرفت.<sup>۳۴</sup>

### فمینیسم در ایران

جریان دفاع از حقوق زنان در دوران پهلوی با جنبش‌های فمینیستی در غرب، سه تفاوت عمده داشت؛ اول اینکه جریانات داخلی بر خلاف جنبش‌های غربی که بیشتر به صورت خودجوش برای احقاق حقوق زنان صورت می‌گرفت، به طور کامل تقلیدی بود.<sup>۳۵</sup> دوم اینکه جریانات فمینیسم داخلی به دستگاه حکومت وابسته بود و مروجان آن پهلوی‌ها بودند، در حالی که جنبش‌های فمینیستی غرب در اساس علیه حاکمیت‌های مردسالار و ظالمانه شکل گرفته بود.

تفاوت سوم اینکه فمینیست در ایران بر خلاف نهضت‌های فمینیستی غرب، در آن زمان که بیشتر در پی دفاع از حقوق اولیه زنان بود، به طور عمده مروج ابتدال فرهنگی و جریانات ضددینی بود.<sup>۳۶</sup> از جریانات فمینیستی پس از انقلاب اسلامی، جریان سیاسی مدافع حقوق زنان است. هدف اصلی این جریان، مبارزه با نظام اسلامی در پوشش دفاع از زنان است و شعار جذاب «حقوق زنان» را فقط ابزاری برای این مبارزه



قرار داده است. ویژگی‌های این جریان عبارت است از:  
یک) ضدیت با اسلام و ارزش‌های اسلامی؛ این جریان به صراحت مخالفت خود را با احکام اسلام اعلام داشته و از هر چه رنگ دینی داشته باشد، دوری می‌جوید.<sup>۳۷</sup>  
دو) مخالفت با نظام جمهوری اسلامی؛ نقش فعال و حضور تعیین کننده زنان در پیروزی و به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی، مخالفان این انقلاب را به این گمان واهی واداشته که می‌توانند با طرح موضوع دفاع از حقوق زنان و تحریک احساسات زن ایرانی، از آنها برای مقابله با نظام جمهوری اسلامی بهره‌جویند.<sup>۳۸</sup>  
سه) بی‌توجهی به ارزش‌های اخلاقی؛ این بی‌توجهی ویژگی کسانی است که به اسم دفاع از زن ایرانی در خارج از کشور و بیشتر با انگیزه‌های سیاسی، به تلاشی برای احقاق حقوق زنان این مرز و بوم مشغولند.<sup>۳۹</sup>  
چهار) تضعیف نهاد خانواده؛ این جریان به تبعیت از اندیشه‌های فمینیستی، خانواده را یکی از مظاهر نظام مردسالار دانسته، معتقد است وظیفه مقدس مادری چیزی جز بردگی خانگی نیست.<sup>۴۰</sup>

## انواع فمینیسم

### فمینیسم لیبرال

لیبرال فمینیست‌ها، ریشه ستم بر زنان را در فقدان حقوق مدنی و فرصت‌های برابر آموزشی می‌دانند و تلاش می‌کنند تا با اصلاحاتی، موقعیت زنان را ارتقا بخشند، بی‌آنکه به بنیادهای اجتماعی و اساسی نظام موجود دست بزنند.<sup>۴۱</sup>  
این گروه مخالف پذیرش نقش‌های از پیش تعیین شده (کلیشه‌ای) مؤنث و مذکر در خانواده‌اند و بر این باورند که در روابط زناشویی، اصل شادکامی و رضایت خودمحو‌رانه زن و شوهر است نه تشکیل خانواده و تربیت فرزند.  
فمینیسم لیبرال، ارزش‌های لیبرالی و ساختار روابط اجتماعی در جامعه آمریکا را در



کلیت‌های خود می‌پذیرند و بر ردّ ایفای نقش مادری و همسری برای زنان به عنوان یک تکلیف اصرار می‌ورزند و کار خانگی را از آن رو که به طور رسمی «کار» به حساب نمی‌آید، ظالمانه می‌دانند.<sup>۴۲</sup>

این گروه، جنسیت را مرز تعیین‌کننده حقوق فرد نمی‌دانند و معتقدند که سرشت زنانه و مردانه کاملاً یکسان است و فقط انسان وجود دارد نه جنسیت. یکی از آرمان‌های فمینیست‌های معاصر، تحقق جامعه دو جنسی است. اعضای جامعه دو جنسی، از نظر جنسی مذکر یا مؤنث‌اند، ولی ویژگی‌های مردانه و زنانه را با اختلافات اغراق‌آمیز روان‌شناختی نشان نمی‌دهند؛<sup>۴۳</sup> یعنی در آنها تضاد شدید میان ویژگی‌های مردانه با خصوصیات زنانه وجود ندارد. لیبرال‌ها نقش‌های جنسی را محصول روابط اجتماعی در طول تاریخ می‌دانند نه ودیعه‌های طبیعی و غیرقابل تخلف.<sup>۴۴</sup>

آنان نظریه مورگان را مورد توجه قرار می‌دهند که معتقد است در ابتدای حیات بشری مادرسالاری رایج بوده است و پدرسالاری را واقعیتی تلخ می‌دانند که به تدریج بر جوامع بشری تحمیل شده است.<sup>۴۵</sup>

از میان نظریه‌پردازان قدیمی فمینیسم لیبرال، می‌توان به ولستن کرافت، هاریت تیلور و همسرش جان استوارت میل اشاره کرد. مهم‌ترین شخصیت از میان لیبرال فمینیست‌های جدید، بتی فریدان، نویسنده کتاب *رئز زنانگی* است.<sup>۴۶</sup>

### فمینیسم مارکسیستی

نظریه مارکسیستی در قرن نوزدهم و بر مبنای یادداشت‌های مارکس درباره مسئله زن و نظرات انگلس در کتاب *منشأ مالکیت خصوصی، خانواده و دولت* بنا شده است. این گروه با تکیه بر نظریه مورگان درباره مادرسالار بودن جوامع اولیه بشری، معتقدند که پیدایش مالکیت خصوصی در جوامع سبب اسارت زنان شده است و تا زمانی که نظم بورژوازی، مالکیت و خانواده بورژوایی وجود دارد، این اسارت تداوم خواهد داشت.<sup>۴۷</sup>



به اعتقاد مارکس و انگلس، خانواده اولین نهاد اجتماعی است که تقسیم نابرابر کار در آن صورت می‌پذیرد و باید نابود گردد. بنابراین، با پیشنهاد حذف خانواده به شکل رایج آن، ایجاد مؤسسات اشتراکی را پیشنهاد می‌کنند که در آن مجموعه کارهای خانه و نگهداری از کودکان، وظایف اجتماعی هر دو جنس است.<sup>۴۸</sup>

با توجه به اینکه نظام سرمایه‌داری، جامعه را به دو عرصه عمومی (بازار) و خصوصی (خانواده) تقسیم کرده است، انگلس اولین شرط رهایی زن خانه‌دار را بازگرداندن جنس مؤنث به فعالیت‌های عمومی می‌داند. نو مارکسیست‌های مکتب فرانکفورت، به مقدار زیادی از نظریات اولیه فمینیست‌های مارکسیست عدول نمودند. آنان معتقد بودند که در چارچوب نهاد خانواده، به دلیل وجود روابط عاطفی و شخصی و اعتماد بین افراد خانواده، از خودبیگانگی تا حدودی کاهش می‌یابد.<sup>۴۹</sup> کلارا زتکین و رزا لوکزامبورگ از مهم‌ترین شخصیت‌های مارکسیست فمینیستند و مادام کولونتای معروف‌ترین آنها بود که در انقلاب روسیه نقش مهمی داشت. وی آشکارا خواهان نفی نظام خانواده بود.<sup>۵۰</sup>

### فمینیسم رادیکال

این گروه معتقدند که علت اصلی مظلومیت زنان، نظام پدرسالارانه است؛ نظامی که قدرت، سلطه، سلسله مراتب و رقابت، ویژگی‌های اساسی آن را تشکیل می‌دهند. بیولوژی زنان و روحیات متناسب با پرورش فرزندان به خودی خود نه فقط منشأ ستم‌دگی زنان نیست، که منابع بالقوه‌ای برای قدرت آزادی‌بخش زنان است. آنچه موجب ستم بر زنان می‌شود، کنترل مردان بر فرآیند تولید مثل و پرورش فرزندان است.<sup>۵۱</sup>

پیروان این مکتب، نخستین وظیفه سیاسی خود را کشف و بیان حقایق و مبارزه با اعمال ستم بر زنان می‌دانستند و به دلیل تعهدی که در امر افشاگری و ریشه‌کنی علل اصلی و قانونمند ستم‌کشی ویژه زنان احساس می‌کردند خود را رادیکال فمینیسم



معرفی نمودند. بعدها این گروه، نماینده این اعتقاد شدند که ستم بر زنان ریشه سایر ستم‌ها و بنیادی‌ترین شکل ستم در جوامع انسانی است.<sup>۵۲</sup> سیمون دوبوآر در کتاب جنس دوم اظهار می‌کند، آنچه زن را در قید بندگی نگاه می‌دارد، ازدواج و مسئولیت مادری است. وی نظام خانواده را مورد حمله قرار می‌دهد و ازدواج را نوعی فحشای عمومی و عامل بدبختی زنان می‌داند. از نظر وی، مخالفت با تولیدمثل و شکل رایج روابط جنسی باید جزو مسائل اساسی جنبش فمینیسم باشد.<sup>۵۳</sup>

### سوسیال فمینیسم

این دیدگاه که به آن نسبت دوگانه‌گرایی می‌دهند، می‌کوشد که دو نظام را بازشناسد؛ یکی نظام اقتصادی و دیگری نظام جنس - جنسیت. این دیدگاه مردسالاری را نظامی فراتاریخی می‌داند؛ یعنی مردان در تمام جوامع بر زنان اعمال قدرت می‌کنند،<sup>۵۴</sup> ولی مردسالاری در جوامع سرمایه‌داری شکل خاصی می‌یابد. بنابراین، نباید در مبارزه طبقاتی و مبارزه برای زنان یکی را فدای دیگری کرد؛ یعنی وانهادن هر یک از این دو به معنای پذیرش شکست است.<sup>۵۵</sup>

از آنجا که سرمایه‌داری، سلطه جنس مذکر، نژادپرستی و امپریالیسم از هم جدایی ناپذیرند، در نتیجه محو هر کدام به معنای پایان یافتن بقیه است. سوسیال فمینیست‌ها معتقدند که هم مردان و هم کل نظام سرمایه‌داری، از کارخانه‌داری رایگان زنان بهره‌مند می‌شوند و شعار اجتماعی کردن کار خانگی و آزاد کردن زنان از کار خانگی به منظور فراهم کردن امکان ورود آنها به زندگی اجتماعی است.<sup>۵۶</sup>

### فمینیسم فرامدرن

افراط و تفریط‌های گرایش‌های فمینیستی، باعث ایجاد ناهنجاری‌های فراوانی در جوامع غربی شده است. به ویژه گذشت زمان و نمایان شدن راه کارهای غلط فمینیست‌ها، بیش از هر چیز بازنگری در نحوه نگرش به حقوق زنان را ضروری می‌ساخت. از سوی دیگر، فرا رسیدن دوران پُست‌مدرن در غرب و تحت تأثیر قرار



گرفتن اغلب عرصه‌های فکری و اجتماعی از آموزه‌های آن، موجب شد جریان‌های دفاع از حقوق زنان نیز از آن متأثر شوند. نسبی‌گرایی و نفی هر گونه باورهای کلیشه‌ای که از خصوصیات غیرقابل تفکیک دوران پست‌مدرن به شمار می‌آید، به جریان‌های فمینیستی راه یافت.<sup>۵۷</sup>

فرامدرن‌ها با نهاد خانواده مخالفت نمی‌ورزند و حتی معتقدند این کانون می‌تواند برخی نیازهای عاطفی زن را برآورد. همچنین آنان جامعه دو جنسی را می‌پذیرند؛ یعنی حضور زنان و مردان را در جامعه بر می‌تابند، اما مانند دیگر گرایش‌های فمینیستی بر تساوی حقوق زن و مرد پای می‌فشارند.

به طور کلی، روابط زن و مرد در این تفکر برابر و توافقی است و هیچ قانونی نباید زن را به رابطه با مرد خاصی مجبور و محدود سازد. هم‌چنین هیچ قانونی نباید مرد را به رابطه با زن خاصی وادار نماید. زن‌گرایان فرامدرن، دین را عامل اصلی ظلم به زن در جوامعی می‌دانند که حکومت دینی یا بافت دینی و مذهبی دارند. بر این اساس، در کشورهای اسلامی و به ویژه در ایران، مبارزه با دین را در دستور کار خویش قرار داده‌اند.<sup>۵۸</sup>

### فمینیسم اسلامی

فمینیسم اسلامی بر آید فعالیت دو گروه است؛ گروه اول، توجه به اسلام را با عنوان سیاستی راهبردی برای توسعه مفاهیم غرب و مقابله با اصول‌گرایی در کشورهای اسلامی برگزیده‌اند. در جوامع اسلامی که ادبیات فمینیسم رادیکال و لیبرال به شکل عریان مورد قبول نیست، به کار گرفتن ادبیات دینی در طرح دیدگاه‌های فمینیستی و اعمال تعدیل در این دیدگاه‌ها، تنها راه دفاع از آموزه‌های فمینیستی و ایجاد جنبش‌های زنانه است که مقابله با اصول‌گرایی اسلامی را در دستور کار خود قرار می‌دهند.<sup>۵۹</sup>

گروه دوم، دسته‌ای از روشن‌فکران مسلمانند که آشنایی با فرهنگ مدرن، آنان را با چالشی اساسی در رابطه با تجدد و سنت مواجه ساخته است. آنان از یک سو به دلیل



داشتن پیوند عاطفی با دین و از سوی دیگر به دلیل پذیرش بن‌مایه‌های فرهنگ مدرن به عنوان محصول عقل بشری، اصلاحات در دین را با ترازوی فرهنگ مدرن ضروری می‌دانند.<sup>۶۰</sup>

ضرورت تفکیک گوهر دین از متون و گزاره‌های دینی، عرفی شدن دین در عرصه‌های اجتماع، ضرورت تحول در احکام شریعت، جداسازی قرآن از سنت و ضرورت اجتهاد در مبانی، از جمله مباحثی است که این گروه از روشن‌فکران به آن توجه دارند.<sup>۶۱</sup>

این دو گروه، با وجود زمینه‌های متفاوت، برنامه‌های کم و بیش یکسانی برای بومی کردن مدرنیسم غربی دارند. پسوند اسلامی پس از واژه فمینیسم، نشانگر تفسیری فمینیستی از اسلام است نه تلاش برای دفاع از حقوق زنان بر اساس آموزه‌های دینی.<sup>۶۲</sup> این دیدگاه، مردسالاری را مسئله اساسی زنان در خانواده اجتماعی می‌داند و به سمت آرمان‌های تساوی‌طلبانه به پیش می‌رود. نظریه‌پردازان این دیدگاه، مفاهیمی چون اومانیزم، سکولاریسم، حقوق بشر و تشابه زن و مرد را با تفسیرهای متداول در جهان غرب به عاریت گرفتند و تلاش کردند با ارایه برداشت‌های جدید از آیات قرآن، قرائتی از دین ارایه دهند که با نگرش‌ها و الگوهای غربی سازگار باشد.<sup>۶۳</sup>

### رویکردهای فمینیستی به خانواده

فمینیست‌ها خانواده را جایگاه نابرابری می‌دانند که در آن زنان فرودست و نقش‌هایشان تثبیت می‌شوند. به نظر آنان در خانواده دو ساختار فرودستی زنان وجود دارد که درهم تنیده‌اند؛ یکی جایگاه زن به عنوان همسر و مادر و دیگری فرآیندهای اجتماعی شدن در خانواده که در جریان آن کودک نگرش‌های مردانه و زنانه را درونی می‌کند و آنها را در آینده به فرزندان خود منتقل می‌نماید، به این ترتیب، سلطه مردان و فرودستی زنان تثبیت می‌شود.<sup>۶۴</sup>

فمینیست‌های مارکسیست تأکید می‌کنند که استثمار زنان در خانواده در خدمت منافع سرمایه‌داری است، ولی فمینیست‌های رادیکال تأکید می‌کنند که استثمار زنان در خانواده در خدمت مردان است که از کار بی‌مزد زنان در نظام مردسالاری بهره‌مند می‌شوند، اگرچه آنان می‌پذیرند که خانواده به زنان ستم می‌کند و زنان در آن استثمار و فرودست می‌شوند.<sup>۶۵</sup>

فمینیست‌ها معتقدند که جایگاه همسری یا مادری زن در خانواده جایگاهی فرودست در برابر شوهر یا پدر است و دلیل این امر دست کم وابستگی اقتصادی زن به مرد است. ایدئولوژی‌های خانوادگی نیز که به طور وسیعی مورد قبول عامند، دلیل دیگر آن است.<sup>۶۶</sup>

فمینیست‌ها تاریخ زندگی خانوادگی و تغییرات در سازمان خانواده را از دید زنان بررسی کرده‌اند. فمینیست‌های رادیکال معتقدند که مردسالاری و سلطه مردان بر زنان، در شیوه تولید مردسالاری (خانواده) بسیار بیش از توسعه سرمایه‌داری وجود داشته است.

به اعتقاد فمینیست‌های مارکسیست، وابستگی اقتصادی زنان به مردان که زیر سلطه و استثمار در آوردن آنان را در خانواده میسر می‌سازد، نتیجه رشد سرمایه‌داری صنعتی است. فمینیست‌های سوسیالیست می‌گویند که قدمت ایدئولوژی مردسالاری بیش از سرمایه‌داری است، ولی زنان در بریتانیای معاصر به شیوه‌ای استثمار و فرودست می‌شوند که حاصل تأیید متقابل این ایدئولوژی و روابط تولید مادی است.<sup>۶۷</sup>

از نظر فمینیست‌ها، تغییر بزرگی که از قرن هفدهم تا کنون در خانواده‌ها روی داد، نهادینه شدن نقش «زن خانه‌دار و مادر» است. پیش از صنعتی شدن، محصول کار را دارای مشترک خانواده تلقی می‌کردند، نه دارایی افراد تا بین اعضای خانواده‌شان تقسیم شود. هر یک از اعضای خانواده برای تولید نیازمندی‌های خانواده کار می‌کرد و هیچ تمایزی بین تولید و مصرف وجود نداشت.<sup>۶۸</sup> به تدریج زنان، به حوزه خانگی،





مراقبت از خانه و کودکان و مردان به حوزه عمومی، کسب درآمد و مشارکت در سیاست وارد شدند. اغلب زنان طبقه متوسط تا آغاز قرن نوزدهم نقش زن خانه‌دار را پذیرفتند و تعداد زنان طبقه کارگر در مشاغلی که به طور رسمی کارمزدی شناخته شده بود، به سرعت کاهش یافت.<sup>۶۹</sup>

شعار مهم فمینیست‌ها انتقاد از خانواده هسته‌ای و اقتدار پدرسالارانه است. حمله به خانواده سنتی بدون پیشنهاد جایگزینی مناسب، مناسبات خانوادگی زن و مرد را به گونه‌ای دگرگون کرد که امروزه خانواده نه فقط استحکام لازم را ندارد، بلکه رقبای جدی در کنار خود دارد. آمار رو به افزایش طلاق، همسرآزاری، خودکشی زنان و تک‌زیستی‌ها شاهد این مدعا است.<sup>۷۰</sup>

بی‌سرپرست ماندن خانواده که از پیامدهای طرح شعار اقتدارزدایی از خانه و مقابله با پدرسالاری است، شیرازه خانواده را از هم گسیخت و فرزندان را از بعد نظارتی والدین به ویژه اقتدار پدر، محروم کرد. فمینیست‌ها با طرح عناوین کلی و مبهم «پدرسالاری» و «مردسالاری» همه مشکلات زنان را به عهده مردان می‌گذارند.<sup>۷۱</sup>

نقطه عطف بحران خانواده در دنیای امروز، از دست دادن ارزش‌های ذاتی خانواده است. خانواده در جوامع غیرصنعتی، مسئولیت‌های چندگانه‌ای همچون مراقبت، نگهداری و تربیت فرزندان، تغذیه، کار در منزل و نگهداری از سالمندان داشته است، ولی با صنعتی شدن و نهادینه شدن تقسیم کار، بسیاری از این وظایف به نهادهای صنعتی، خدماتی، بهداشتی و آموزشی که مستقل از خانواده بودند، واگذار شد.<sup>۷۲</sup>

با بحرانی شدن موقعیت خانواده در جهان صنعتی، بیشترین زیان متوجه زنان است. حضور فیزیکی زن در بیرون از خانه با شعار آزادی و نیاز کارخانه‌داران به آنها و حمایت نظری پر زرق و برق از زنان، جنگی آشکار را بین زنان و مردان ایجاد کرده است که تا اعماق خانواده‌ها رسوخ پیدا کرده است. در پرتو این تساوی و آزادی و مقررات حمایتی، زن فارغ از هر گونه مسئولیت خانوادگی و هم‌پای مردان در



کارخانه‌ها ساعات بسیاری از عمر خود را هدر داده است، ولی آنچه که ثمره زنان گردید از دست دادن کرامت انسانی است.<sup>۷۳</sup>

### آسیب‌شناسی فمینیسم

در مجموع بر اساس گرایش‌های فمینیستی مختلف، مهم‌ترین آسیب‌های این جریان‌ها را می‌توان چنین برشمرد:

### تزلزل نهاد خانواده

از آنجا که روح حاکم بر جنبش فمینیسم، رفع محدودیت‌های مبتنی بر جنسیت است، سبب می‌شود نظام خانواده گسسته و روابط سرد و بی‌روح جایگزین مودت، رحمت، صفا و صمیمیت شود، به گونه‌ای که حتی در برخی جوامع، سلامت نسل بشر تهدید گردیده و نقش‌های مقدسی همچون باروری، زایش و تربیت و پرورش فرزند به دیده تحقیر نگریسته می‌شود تئوری‌هایی مانند معاشقه آزاد و مادر میانجی و... مطرح می‌گردد؛ مادر میانجی زنی است که با دریافت مبلغی پول، از طریق تلقیح مصنوعی یا به شیوه‌ای دیگر برای زنی که نازاست، فرزند می‌آورد.<sup>۷۴</sup>

طرح این تئوری‌ها آسان‌ترین راه برای رهایی از اسارت ازدواج تلقی شده است. از نظر آنان تنها ثمره همزیستی زن و مرد برآورده شدن نیازهای جنسی است که بر مبنای آن، مسئولیتی متوجه طرفین نمی‌شود. الگوی ازدواج زن و مرد قابل تحقیر است، ولی الگوی زندگی مشترک زن با زن و مرد با مرد قابل تحسین است؛ زیرا به اعتقاد فمینیست‌ها، شالوده خانواده بر پایه ظلم مرد پایه‌ریزی شده است. بدین ترتیب، زندگی مشترک زن و مرد نمی‌تواند الگوی برتر باشد.<sup>۷۵</sup>

### تقابل زن و مرد

فمینیسم زن و مرد را نه در کنار یکدیگر و نه اعضای یک پیکر، که در مقابل یکدیگر می‌داند، حال اینکه در اسلام هر یک از زن و مرد می‌توانند انسانی کامل



باشند و زندگی مشترک به هر دوی آنها مربوط می‌شود. از این رو، استعمار دیگری، نوعی ظلم است؛ زیرا زن و مرد مکمل یکدیگرند نه رقیب و دشمن: <sup>۷۶</sup> «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ و أَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ» <sup>۷۷</sup> آنان برای شما لباسی هستند و شما برای آنان لباسی هستید».

### نفی ارزش های اخلاقی

فمینیست‌ها با قطع پیوند میان انسان و خدا، بر حاکمیت انسان تأکید می‌کنند. این گونه حاکمیت، بی‌قید و بندی غرایز و تمایلات را می‌طلبد و بر این اساس به ارزش‌های الهی یا قراردادهای انسانی، توجه ندارند. آنها وجود انضباط و قید و بند را عامل محدودیت تلقی می‌کنند، اینجاست که اخلاق موضوعیت خود را از دست می‌دهد. <sup>۷۸</sup> برخی از گروه‌های فمینیست، دین را ساخته و پرداخته مردان برای کنترل زنان می‌دانند. این جنبش با طرح موضوعاتی مثل سقط جنین، همجنس‌بازی زنان، مادر میانجی و... جایی برای تعهدات اخلاقی باقی نگذاشته‌اند. بسیاری از فمینیست‌های افراطی را زنان همجنس‌باز تشکیل می‌دهند. <sup>۷۹</sup>

### تشابه حقوق زن و مرد

یکی از مهم‌ترین ایده‌های فمینیسم، نادیده انگاشتن تفاوت‌های موجود میان زن و مرد است. آنان با شعار تشابه، لطمه جبران‌ناپذیری به جامعه انسانی به ویژه قشر زن وارد کردند. نظام طبیعت، خلقت زن و مرد را غیرمشابه قرار داده است. آیا حقوق طبیعی زن و مرد می‌تواند مشابه باشد؟ <sup>۸۰</sup>

علم این مهم را به اثبات رسانده و واقعیت خارجی نیز گواهی می‌دهد که در تمامی جوامع، تقسیم کار و وظایف بر اساس جنسیت میان زن و مرد صورت می‌گیرد. با وجود این، نهضت‌های زنانه، بر خلاف قانون طبیعت و واقعیت‌های موجود، به دنبال تشابه و همانندی کامل زن و مردند. <sup>۸۱</sup>

اگر در جاهلیت قدیم برای حفظ و حراست از شخصیت و کرامت زن، پیکرش را زنده زنده دفن می‌نمودند؛ جامعه مدرن، شخصیت زن را در قبرستان شهوات و



تمایلات نفسانی خویش مدفون ساخته است و با تشابه حقوق زن و مرد، زن را به تمامی عرصه‌ها حتی به میدان سربازی و نبرد نظامی نیز کشانده است؛ به طوری که زن بودن زن مورد تردید و انکار وی قرار گرفته است.<sup>۸۲</sup>

در جوامع متمدن غربی، تساوی حقوق زن و مرد در همه ابعاد زندگی پذیرفتنی نیست و این ادعا در مرحله شعار و تئوری متوقف مانده است. انگیزه طرح این شعارها، بهره‌برداری‌های سیاسی در عرصه‌های بین‌المللی و استثمار اقتصادی و جنسی زنان بوده است.<sup>۸۳</sup>

## اسلام و فمینیسم

با نگاهی موشکافانه و منصفانه به متون دینی، به این باور رسیده که فمینیسم با مفاهیم و آموزه‌های دینی اسلام سازگار نیست و تعارض میان اسلام و گرایش‌های فمینیستی به قدری ریشه‌ای و عمیق است که سازش و مصالحه میان آن دو به معنای قربانی کردن یکی به سود دیگری است. توجه به برخی اصول و آموزه‌های دینی به خوبی نشان می‌دهد که قالب‌های تنگ و تار زن‌مدارانه، یارای بیان دیدگاه «جهان شمول» و «انسان‌نگر» اسلام نیست.<sup>۸۴</sup> برخی از این اصول و آموزه‌ها عبارتند از:

## هدفمندی خلقت

آیات متعددی از قرآن کریم بر این مهم تأکید دارد که زمین و آسمان و موجودات محسوس و غیر محسوس، همه و همه بر اساس یک طرح پیشین و حکیمانه خلق شده‌اند و به سوی اهداف مشخص هدایت یافته‌اند: «رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى»<sup>۸۵</sup> پروردگار ما کسی است که همه موجودات عالم را نعمت وجود بخشیده و سپس به راه کمالشان هدایت کرده است.

این واقعیت مهم با آنچه برخی گروه‌های فمینیستی بر آن پای می‌فشارند که طبیعت مسئول ظلم تاریخی بر ضد زنان است و پیشرفت‌های بشری سرانجام بر نظام طبیعی پیروزمندانه غلبه خواهد کرد، در تعارضی آشکار است.



## تفاهم و همدلی، محور زندگی

خداوند زن و مرد را برای سکون و آرامش یکدیگر و به منظور تفاهم هر چه بیشتر آفرید و میان آنان ریشه‌های پیوند و دوستی برقرار کرد:

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً  
وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ.<sup>۸۶</sup>

و از آیات لطف الهی آن است که برای شما از جنس خودتان جفتی بیافرید که در بر او آرامش یافته با هم انس گیرید و میان شما رأفت و مهربانی برقرار فرمود، در این امر (که در حقیقت پایه زندگی و آسایش و بقای نوع است) برای مردم با فکرت شواهد علم و حکمت حق آشکار است.

هُنَّ لِيَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِيَاسٌ لَهُنَّ.<sup>۸۷</sup> زنان جامه [ستر و عفاف] شما هستید و شما نیز لباس [عفت] آنها هستید.

بنابراین، هر جا که زن و مرد در مقابل یکدیگر قرار گرفته، به نزاع با یکدیگر می‌پردازند، از فطرت و طبیعت اصلی خارج شده و در مسیری جز مسیری که خالق هستی خواسته است، گام بر می‌دارند. نزاع میان زن و مرد یک استثنا است نه قاعده؛ استثنایی که هر چه زودتر باید حل و فصل شود و آن دو به گونه‌ای که متناسب با کرامت و شخصیت والای انسانی است، به راه درست زندگی و همزیستی بازگردند.<sup>۸۸</sup>

بنابراین اصل، فرد مسلمان وظیفه دارد که در ایجاد رشته‌های محبت و تفاهم میان زن و مرد بکوشد. این باور با اصل بودن نزاع میان زن و مرد و پیشش مبتنی بر تنازع بقا که بسیاری از فمینیست‌ها به آن معتقدند، در تضاد آشکار می‌باشد.

### توجه ویژه به خانواده

تردیدی نیست که نهاد خانواده در پرورش استعدادهای نسل آینده سهم مهمی دارد، به امنیت اخلاقی - اجتماعی کمک می‌کند، در شکل‌گیری اقتصادی سالم و پویا مؤثر است و کانون آرامش و محبت و پرورش عواطف انسانی است. از این رو، در





متون دینی بر حفظ و استواری کانون خانواده تأکید فراوانی شده است.

اهمیت این موضوع در جوامعی که خانواده‌های ریشه‌دار و پایه‌دار دارند، به خوبی احساس می‌شود. نقش مهم زن در خانواده در جایگاه همسری و مادری، به گونه‌ای است که از این دو نقش به بهترین تعابیر یاد شده است.

از آنجا که حفظ خانواده به ویژه برای مادر، که محور عاطفی و پرورشی آن است، اهمیت زیادی دارد، هنگامی که حفظ و استواری خانواده با فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در تضاد باشد، باید این امور به گونه‌ای تنظیم شود که محیط خانواده از آسیب مصون بماند.<sup>۸۹</sup> در سال‌های اخیر به نقش اقتصادی زنان خانه‌دار توجه شده و کوشش‌هایی برای محاسبه فعالیت‌های خانگی آنان بر اساس معادلات اقتصادی انجام گرفته و پیشنهادهایی برای بیمه و مرخصی فوق‌العاده آنان مطرح شده است. گرچه طرفداری از زنان خانه‌دار نباید به گونه‌ای باشد که خانه‌داری زنان در ردیف فعالیت‌های اقتصادی متعارف قرار گیرد.<sup>۹۰</sup>

حضور زن در محیط خانه و در کنار فرزندان اگرچه با کار خانگی همراه نباشد، آثار فرهنگی و معنوی خاصی دارد که به شیوه‌های متداول قابل محاسبه نیست. این سخنان به معنای محدود کردن زنان در محیط خانه و محروم کردن آنان از فعالیت‌های غیرخانگی نیست، بلکه این فعالیت‌ها باید به گونه‌ای سامان یابد که نهاد خانواده را با بحران و ازهم‌گسیختگی فرهنگی مواجه نکند.<sup>۹۱</sup>

### نتیجه‌گیری

آرمان فمینیست‌ها این است که زنان در روابط حقوقی، اجتماعی، خانوادگی و اقتصادی مشابه مردان و بدون مرزهای جنسیتی تعریف شوند و آزادانه به هر آنچه متمایلند دسترسی داشته باشند، ولی چنین آرمانی نه صحیح است نه دست‌یافتنی؛ چون بر معیارهای عقل و شرع استوار نیست و هر آنچه بر این معیارها استوار نباشد،

سعادت آور نخواهد بود.

در اندیشه دینی، خانواده نهادی مقدس، مهم‌ترین بنا و کانون انتقال ارزش‌ها و بازپروری عاطفه و شکل‌گیری شخصیت نسل آینده است و زن، محور پویایی و کارآمدی خانواده است. از این رو، هر برنامه اصلاحی که باعث کم‌رنگ شدن نقش خانواده در تحولات اجتماعی و فرهنگی و ناکارآمدی و نادیده گرفتن نقش زنان در خانه شود، محکوم به شکست است.

ارزشمندی واقعی هر انسان به میزان بهره‌مندی وی از قدرت کمال و تقرب به خداوند است که در این موضوع زن و مرد متفاوت نیستند و ممکن است هر دو دستیابی به تقرب را از یک مسیر نیمایند. برخی از امور برای مردان و برخی دیگر برای زنان ارزشمند است، چنانکه تأمین مخارج اقتصادی خانواده از وظایف مرد، تنظیم اقتصادی مصرفی از وظایف زن، جهاد با نفس و مال در برابر دشمنان از راه‌های تقرب مرد و نقش آفرینی در تربیت نیروی سازنده و رزمنده از وظایف زنان شمرده می‌شود. الگوهای تشابه زن و مرد دست‌یافتی نیست؛ زیرا خداوند بر اساس حکمت خویش زن و مرد را با تفاوت‌هایی خلق کرده و انتظاراتی متفاوتی از آنان دارد. چنانچه جاری کردن الگوهای برابری در بعضی کشورها، آمار طلاق، روابط جنسی خارج از چارچوب ازدواج، خانواده‌های تک‌والد، تک‌زیستی انسان‌ها و خشونت‌های خانوادگی و... را ایجاد کرده است.



## پی نوشت

۱. سید حسین اسحاقی، مجله رواق اندیشه، ش ۴۴.
۲. محمدرضا زیبایی نژاد، محمدتقی سبحانی، درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، ص ۹۵.
۳. «فمینیسم» / [www.fa.wikipedia.org/wiki/](http://www.fa.wikipedia.org/wiki/)
۴. حسین تقوی دهقانی، آسیب‌شناسی فمینیسم، ص ۱۶.
۵. «فمینیسم» / [www.aftab.ir/articles/view/social/directory](http://www.aftab.ir/articles/view/social/directory)
۶. جمعی از نویسندگان، فمینیسم، ص ۱۲.
۷. مجله رواق اندیشه، ش ۲۸.
۸. همان.
۹. عباس یزدانی و بهروز جندقی، فمینیسم و دانش‌های فمینیستی، ص ۸۶.
۱۰. همان، ص ۸۸.
۱۱. پاملا آبوت، مکرو الاس، جامعه‌شناسی زنان، ترجمه منیره نجم عراقی، ص ۱۱۵.
۱۲. همان، ص ۱۱۶.
۱۳. شهلا اعزازی، مجموعه مقالات فمینیسم و دیدگاه‌ها، ترجمه انجمن جامعه‌شناسی ایران، ص ۲۲۴.
۱۴. همان، ص ۲۲۵.
۱۵. جامعه‌شناسی زنان، ص ۱۳۰.
۱۶. همان، ص ۱۳۱.
۱۷. درآمدی بر جامعه‌شناسی نگرش‌های فمینیستی، ترجمه مریم خراسانی و حمید احمدی، ص ۱۸۲.
۱۸. ماری و آلیس واترز و اولین ریر، فمینیسم و جنبش مارکسیستی (آیا سرنوشت زن را ساختار بدنش تعیین می‌کند؟)، ترجمه مسعود صابری، ص ۱۰۶.
۱۹. همان.
۲۰. همان، ص ۱۷۳.
۲۱. جمعی از نویسندگان، فمینیسم، ص ۲۲.
۲۲. همان، ص ۲۳.
۲۳. محمد فولادی، «فمینیسم» / [www.porsojoo.com](http://www.porsojoo.com)
۲۴. همان.
۲۵. همان.







۲۶. محمدرضا زیبایی‌نژاد، فمینیسم، ص ۷.
۲۷. جمعی از نویسندگان، فمینیسم، ص ۱۷.
۲۸. محمدرضا زیبایی‌نژاد، ماهنامه آموزشی، [www.maarefmags.ir](http://www.maarefmags.ir).
۲۹. درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، ص ۹۸.
۳۰. جمعی از نویسندگان، فمینیسم، ص ۱۹.
۳۱. درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، ص ۹۹.
۳۲. همان، ص ۱۰۰.
۳۳. مهدی رئیسی، کنوانسیون زنان، ص ۱۳.
۳۴. درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، ص ۱۰۰.
۳۵. مسعود معصومی، فمینیسم در یک نگاه، ص ۶۷.
۳۶. همان، ص ۶۸.
۳۷. جمعی از نویسندگان، فمینیسم، ص ۸۴.
۳۸. همان، ص ۸۶.
۳۹. درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، ص ۱۷۹.
۴۰. همان.
۴۱. مؤسسه فرهنگی طه، نگاهی به فمینیسم، ص ۱۲.
۴۲. همان.
۴۳. همان، ص ۱۲.
۴۴. همان، ص ۱۳.
۴۵. همان.
۴۶. درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، ص ۱۰۵.
۴۷. نگاهی به فمینیسم، ص ۱۴.
۴۸. درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، ص ۱۰۷.
۴۹. نگاهی به فمینیسم، ص ۱۴.
۵۰. همان.
۵۱. حسین بستان (نجفی)، نابرابری و ستم جنسی از دیدگاه اسلام و فمینیسم، ص ۴۸.
۵۲. نگاهی به فمینیسم، ص ۱۵.
۵۳. همان، ص ۱۷.
۵۴. محمد منصورنژاد، مسأله زن، اسلام، فمینیسم، ص ۲۶۱.



شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

۵۵. نگاهی به فمینیسم، ص ۱۹.
۵۶. همان
۵۷. فمینیسم در یک نگاه، ص ۵۰.
۵۸. همان، ص ۵۱.
۵۹. فمینیسم و دانش‌های فمینیستی، ص ۲۷.
۶۰. همان
۶۳. همان
۶۴. سید حسین اسحاقی، مجله رواق اندیشه، ش ۴۴.
۶۵. همان
۶۶. درآمدی بر جامعه‌شناسی نگرش‌های فمینیستی، ص ۱۵۷.
۶۷. همان
۶۸. همان
۶۹. همان، ص ۱۵۹.
۷۰. همان، ص ۱۶۰.
۷۱. همان
۷۲. درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، ص ۱۲۹.
۷۳. همان، ص ۱۳۰.
۷۵. همان
۷۶. همان
۷۷. جمعی از نویسندگان، فمینیسم، ص ۶۸.
۷۸. همان
۸۰. همان، ص ۷۱.
۷۷. بقره: ۱۸۷
۸۱. همان
۸۲. رک: همان
۸۳. همان، ص ۷۲.
۸۴. همان، ص ۷۳.
۸۵. همان، ص ۷۵.
۸۶. همان



۸۷. نگاهی به فمینیسم، ص ۳۶.

۸۸. طه: ۵۰

۸۹. روم: ۲۱

۹۰. بقره: ۱۸۷

۹۱. نگاهی به فمینیسم، ص ۴۰.

۹۲. همان، ص ۴۱.

۹۳. همان، ص ۴۲.

۹۴. همان



## فهرست منابع

قرآن کریم

۱. درآمدی بر جامعه‌شناسی نگرش‌های فمینیستی، ترجمه مریم خراسانی و حمید احمدی، تهران، انتشارات دنیای مادر، ۱۳۷۶.
۲. اعزازی، شهلا، مجموعه مقالات فمینیسم و دیدگاه‌ها، ترجمه انجمن جامعه‌شناسی ایران، تهران، نشر روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۵.
۳. بستان (نجفی)، حسین، نابرابری و ستم جنسی از دیدگاه اسلام و فمینیسم، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۲.
۴. پاپوت، آمل و مکروالاس، جامعه‌شناسی زنان، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۰.
۵. تقوی دهاقانی، حسین، آسیب‌شناسی فمینیسم در حوزه تابعیت جنسیت و خانواده، تهران، فرهنگ منهایج، ۱۳۸۱.
۶. جمعی از نویسندگان، فمینیسم، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۵.
۷. رئیسی، مهدی، کنوانسیون زنان، قم، نسیم قدس، ۱۳۸۲.
۸. زیبایی‌نژاد، محمدرضا و محمدتقی سبحانی، درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، تهران، نشر هاجر، چاپ سوم، ۱۳۸۵.
۹. زیبایی‌نژاد، محمدرضا، فمینیسم، اصفهان، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی علیه السلام، ۱۳۸۳.
۱۰. ماری، آلیس واترز و اولین ریر، فمینیسم و جنبش مارکسیستی (آیا سرنوشت زن را ساختار بدنش تعیین می‌کند)، ترجمه مسعود صابری، تهران، بی‌نا، ۱۳۸۳.
۱۱. معصومی، مسعود، فمینیسم در یک نگاه، قم مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۸۴.
۱۲. منصورنژاد، محمد، مسئله زن، اسلام و فمینیسم، تهران، برگ زیتون، ۱۳۸۱.
۱۳. مؤسسه فرهنگی طه، نگاهی به فمینیسم، قم، معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی، ۱۳۷۷.
۱۴. میشل، ریو و سارمه، تاریخ فمینیسم، ترجمه عبدالوهاب احمدی، تهران، روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۵.
۱۵. یزدانی، عباس و بهروز جندقی، فمینیسم و دانش‌های فمینیستی، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۲.

## پایگاه‌های اینترنتی

۱۶. [www.aftab.ir/articles/view/social\\_diretoey-feminism](http://www.aftab.ir/articles/view/social_diretoey-feminism)
۱۷. اسحاقی، حسین، مجله رواق اندیشه، ش ۴۴، [www.noormags.com](http://www.noormags.com).
۱۸. «فمینیسم»، [www.fa.wikipedia.org/wiki/](http://www.fa.wikipedia.org/wiki/)
۱۹. فولادی، محمد، «فمینیسم»، [www.Porsojoo.com](http://www.Porsojoo.com).
۲۰. مجله رواق اندیشه، ش ۲۸، <http://www.pajohe.com>.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



مجموعه مقالات همایش «زن مسلمان، خانواده کارآمد»